

حکمتیستی ۱۶۱

۲۲ مه ۲۰۱۷ - ۱ خرداد ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون

یک خبر خوش!

فواد عبداللهی

هنوز سه روز از "انتخاب" مجدد روحانی به پست ریاست جمهوری نماند که دیروز مردم آزادخواه سندانج با تجمع در مقابل زندان، مانع اجرای حکم قصاص "هیمن مصطفی" شدند؛ درست در زمانی که طیف وسیعی از شیفتگان جمهوری اسلامی در شمایل "اپوزیسیون" و در رکاب نظامشان، بخشی از جامعه را در مضحکه انتخابات با ترس از لولوخورخوره ریسی، مرعوب کردند و اکنون لقمه چرب تحمیل دوباره این نظام و قوانین ارتجاعی آن به جامعه را در دهانشان فشار میدهند، اما مردم سندانج بار دیگر دست رد به سینه قانون ضد انسانی قصاص زدند. بار دیگر معلوم شد که پایان اعدام و ترس و تضمین امنیت واقعی در جامعه ایران با عبور از جمهوری اسلامی امکان پذیر است؛ توقع تامین "امنیت" و احترام به کرامت انسان از این نظام و مهره های آن پوچ است، آنهم در زمانه ای که جنایت و توحش را به سیمای عمومی جهان ما تبدیل کرده اند. خیل مداحان اسلام خوش خیم و دولت "اعتدال"، از روزنامه نگار و روشنفکر دگراندیش تا تکنوکراتهای طرفدار دولت و همه آنهایی که اینبار جامعه را با کارت "امنیت" و مهلت خریدن دوباره برای جمهوری اسلامی دعوت کردند، خود بخشی از همین سیستم و همین فرهنگ و از نوع همین حاکمیت اند. راه افسار زدن به قصاص و قوانین اسلامی و دفاع از حق حیات انسان ها، تقویت اعتراضات در پایین جامعه است؛ در هم شکستن ماشین قصاص و ارباب و سرکوب، نه کار مدافعان نیم بند و دروغین آزادی و امنیت که کار جنبش های اعتراضی و انقلابی، امر جنبش سوسیالیستی است. باید جنبش علیه اعدام را به جنبشی سراسری علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

ایران بعد از "انتخابات"

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

"انتخابات" ریاست جمهوری ایران پایان یافت و روحانی در میان چهار مهره اصلی و بعد از تصفیه صدها کاندید مدافع و سینه چاک کن جمهوری اسلامی، برای چهار سال دیگر در راس ماشین اجرایی حاکمیت باقی ماند. برنده ای که بر پرچم خود نه وعده های دهان پرکن بهبود رفاه و گشایش و مشکل گشایی، که ترس از "قدرتگیری" بیت امامی ها، "تندروها" و ترس از بدتر شدن اوضاع را حک کرده بود. در دل تبلیغات انتخاباتی و جدال سران حاکمیت برای گرفتن صندلی قدرت، مردم از زبان خود آنها، شنیدند، که چگونه ثروت آن مملکت و دسترنج دهها میلیون کارکن و صاحبان جامعه، به شیوه های مختلف در خدمت مشتی انگل و سرمایه دار حاکم قرار میگردد. کاندیداهای ریاست جمهوری این دوره و در افشاگری هایشان از یکدیگر، برای فریب مردم ایران و خصوصا برای فریب طبقه کارگر و بخش محروم جامعه و کشاندن آنها پای صندوق رای، با انگشت گذاشتن بر گوشه ای کوچک از درد و مشکلات جامعه، از بیکاری و فقر و گرانی، نبود بهداشت و درمان و خدمات عمومی، تا دزدی و

تاراج اموال مملکت و تا بند و بست های بالائی ها، از زبان خود آنها، پرده از چهره شنیع حاکمین برداشت. "انتخابات" پایان یافت و روحانی با اکثریت بالایی از همپالگی های خود برنده شد. اما بخش بزرگی از همین اکثریت، و اکثریت آنهایی که به رئیسی رای دادند، میدانند که رئیسی و روحانی و همه جناح هایشان، نماینده آنها نیستند. نتیجه این کارنوال و این مراسم از پیش معلوم بود! معلوم بود که برنده و بازنده، دو روی یک سکه باخت اکثریت محروم جامعه ایران است. ... ←

زن در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت



توضیح: حکمتیست از این شماره به بعد به مناسبت فرا رسیدن هفته حکمت، هر هفته مطلبی از منصور حکمت را باز / انتشار می دهد.

رویداد هولناکی در اوایل مارس انگلستان را بهت زده کرد. در شهر سریزیر و تاریخی گلاستر، که به کافه های دنج و کلیسای بزرگ قرن یازدهمی اش شهرت دارد، خانه ای کشف شد که مدفن اجساد قربانیان قتل های مرموزی در طول بیست و پنج سال گذشته بوده است. تا نیمه مارس ۹ جسد از کف زیر زمین و حیاط خلوت و حمام خانه شماره ۲۵ کراول استریت، که "خانه مرگ" و "تالار وحشت" لقب گرفته است، کشف شده بود. به تخمین پلیس، برمبنای قرائنی نظیر گمشدگان سالهای

آخر در منطقه، این عدد میتواند به ۳۰ برسد. با هر جسد یکبار دیگر نفس در سینه آنها که در این سالها گم شده ای داشته اند حبس میشود. با هر جسد، ازدحام خبرنگاران و توریستها و مردم کنجکاو که در محل با دوربین و وسائل پیک نیک اطراق کرده اند، انبوه تر میشود. ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

ایران بعد از ...

تا جایی که به مردم آزادیخواه ایران، به طبقه کارگر و زنان و جوانان این جامعه برمیگردد، جدال مردم آزادیخواه ایران با حاکمیت برای رفاه و آزادی و امنیت، جدال طبقه کارگر ایران و محرومان جامعه برای بهبود زندگی و کاهش فقر و بردگی، نه تنها جای خود باقی است، که تشدید خواهد شد.

"انتخابات" در جمهوری اسلامی در هیچ زمان و در هیچ مقطعی ابزاری برای دخالت مردم ایران در سرنوشت جامعه نبوده است. این مراسم همیشه تشریفات جابجایی اصلی ترین مهره های ضدمردمی بوده است.

مراسمی که تنها و تنها متکی به اختناق کامل سیاسی، برمتن ممنوعیت همه احزاب بورژوازی و پرولتری و در دل فقدان کمترین آزادی های سیاسی مرسوم در دموکراسی های پارلمانی است.

اینکه حاکمین و اقلیت مفت خور تلاش میکنند، چنین ذهنیتی را دامن زنند، که گویا اکثریت مردم ایران، که جامعه ایران، روحانی را "انتخاب" کرده است، امروز حتی نزد سربزه زیر ترین طرفداران جمهوری اسلامی هم پیشیزی ارزش ندارد.

امروز و با پایان "انتخابات" و تعیین تکلیف جدال بالایی ها، مردم ایران، زنان و جوانان آزادیخواه و طبقه کارگر ایران، با حاکمیتی طرف خواهند بود که بدون هیچ وعده و افق رشد و گشایشی، لخت و عریان در مقابل آنها قرار گرفته است.

انتخابات اعلام کرد که میخواید رئیس مملکت شود تا جیبهایش را پر کند، ساکت نخواهند شد! مردمی که طی کمپین های انتخابات هزاران بار روسای مملکت را مشتتی دروغگو، قاتل، دزد و ضد تمدن و دشمن رفاه عمومی و آزادی و امنیت

روحانی در این نبرد برهمپالگی های خود در حاکمیت پیروز شد، اما دولت او و کل حاکمیت جمهوری اسلامی در مقابل دهها میلیون کارگر و زن و جوان و اقشار محروم جامعه قرار دارند که حامل دریایی نفرت از طبقه حاکمه و دولتتشان، خواهان رفاه و آزادی و امنیت و خواهان پایان دزدی و چپاول و بی حقوقی هستند.

همان مردمی که اکثرا از سر احساس کاذب ناچاری و از ترس کاذب از جناحی دیگر، به روحانی رای دادند، فردای انتخابات برای گرفتن مطالبات واقعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان، برای آزادی و رفاه و امنیت، یقه کل دستگاه دولت اش، و یقه کل دستگاه حاکمیت را خواهد گرفت!

قرار است نه خبری از کاهش بیکاری باشد و نه افزایش حقوق ها و رفع هیچ محرومیت و ممنوعیتی، و نه بهبودی در مطلقا هیچ عرصه ای!

مردمی که ترس و رعب سرکوب حاکمان، در ذهن آنها فرو ریخته است. حاکمیتی که رئیس دولت قدیم و جدید، و وزیر کارش را کارگران معدن آزاد شهر، با اردنگی روانه کردند.

مردمی که در مقابل صف دوربینها از زبان معترضین، و به نام کاندیداتوری، شنیدند و دیدند که نامزد

نام گذاشتند و خط قرمز های جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشتند، به این مضحکه رضایت نخواهند داد! مردمی که مقام "معظم" خامنه ای، در ذهنیت و در کلام اش، در خفا و در ملا عام، سردهسته شیادان و دزدان و مفسدین است، پایان این مراسم برایش تازه آغاز کار است! این صف با انتخاب روحانی به خانه ها بر خواهند گشت.

آقای روحانی در این نبرد برهمپالگی های خود در حاکمیت پیروز شد، اما دولت او و کل حاکمیت

جمهوری اسلامی در مقابل دهها میلیون کارگر و زن و جوان و اقشار محروم جامعه قرار دارند که حامل دریایی نفرت از طبقه حاکمه و دولتتشان، خواهان رفاه و آزادی و امنیت و خواهان پایان دزدی و چپاول و بی حقوقی هستند.

همان مردمی که اکثرا از سر احساس کاذب ناچاری و از ترس کاذب از جناحی دیگر، به روحانی رای دادند، فردای انتخابات برای گرفتن مطالبات واقعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان، برای آزادی و رفاه و امنیت، یقه کل دستگاه حاکمیت را خواهد گرفت!

امروز بیش از پیش دیوار و سپر دفاعی جمهوری اسلامی، با همه جناحهای آن، در مقابل اکثریت محروم جامعه ایران، ترک برداشته است. مگر نه اینکه خودشان، در کمپین های انتخاباتی شان، ذره ای از لجن و چرک نظام و شخصیت های خودشان را به نمایش گذاشتند! بازی آنها با کارت "روکردن" گوشه هایی از فساد مالی و دزدی هایشان، بلند کردن صدا علیه فقر و محرومیت مردم، اشاره به کشتارهای تاریخی شان، که تماما محصول فشار از پائین بود، فردای انتخابات، برسرشان خراب

میشود. این میدان محرومین است! میدانی که حاکمیت برای بقا خود، در آن قدمی گذاشت! در این میدان قلم بایشان توسط محرومین و محکومین خواهد شکست!

پایان "انتخابات" شروع اعلام توقع مردم ایران از زندگی انسانی، در مقابل دولت روحانی است. عریسه کشی پیروزی روحانی بر رئیسی از جانب هوادانش، مستی و هورا کشیدن نان خورهای جمهوری اسلامی و دنبالچه های همیشه مرید و نوکر آنها در میان احزاب مختلف در پوزیسیون و "اپوزیسیون"، برای صف آزادیخواهی در آن جامعه و برای هر انسان حق طلب و انسان دوستی، تکرار مکرر مجیزگویی مشتی دلال سیاسی و مشتی کاسبکار است که از این طریق ارتزاق میکنند.

ما به عنوان کمونیستها و آزادیخواهان، ما به عنوان زنان و جوانان متمدن، و ما به عنوان طبقه کارگر ایران و صاحبان واقعی آن جامعه، کسانی که برای آزادی و رفاه و امنیت هرگز "دل در گرو" این نمایشات مضحک نبسته اند، پایان جدال دشمنانمان برای تعیین تکلیف قدرت در بالا، تازه شروع جدال ما با کل این صف برای بهبود زندگی است. ←

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

زن در زندگی و مرگ ...
 همسایه ها پنجره کرایه میدهند. هرکس به فراخور شغل و تخصصش چیزی میگوید. شهردار گلاستر "مرگ یک شهر" را افسوس میخورد. خبرنگار "علمی" مفتون تکنولوژی راداری مین یاب ارتش در جنگ فاکلند است که اینک ابزار اصلی پلیس در حفاری ها و کشفیاتش است.
 در حالیکه متخصصین علائم شناسی پلیس در تلاش کشف هویت قربانیان از روی ژن آنها و بازسازی چهره آنان هستند، روانشناسان در تقلاي درک مخيله و ذهن قاتلند. کدام جانور، کدام موجود بیمار و در هم پیچیده ای میتواند مرتکب چنین جنایتي شود؟ اینک عامل این جنایات باید "مريض" بوده باشد

تقریباً یک فرض عمومی است. آخر، بقول پزشک قانونی در محاکمه پرونده مشابهی در آمریکا، کسی که قادر به ارتکاب این "قتل های غیر عادی" است چطور میتواند آدم سالمی باشد.
 فردیک وست، بنای ۵۲ ساله مالک و ساکن خانه مرگ به اتهام ارتکاب این جنایات دستگیر شد. روانکاوان متعدد بیشک به دهلیزهای ضمیر او خیره خواهند شد و از حدسیات خود کتابها خواهند نوشت. اما یک نکته، که بعنوان یک جمله ساده در گزارشات پلیس و خبرنگاران ذکر میشود و میگردد، به واقعیاتی فراتر از قاتل و دنیای درونی او اشاره میکند: **تمام قربانیان این جنایت زن بوده اند.**

... و این ما را به آنتونی کندی میرساند.
 در صفحه ۴ روزنامه تایمز لندن، روز ۹ مارس، و از قضا درست پشت گزارشی در مورد خراشهای ماجرای کرامول استریت بر سیمای دوست داشتنی شهر گلاستر، مطلبی در مورد تحولات مهم اخیر در کلیسای انگلستان و نمونه ای از اصطکاکهای درونی آن چاپ شده است. قهرمان ماجرا حضرت اقدس آنتونی کندی سر کشیش لاتون و توابع است. کلیسای انگلستان (که حدود ۵۰۰ سال قبل از کلیسای رم جدا شد) بالاخره در روز ۱۲ مارس، دو دهه پس از تصویب اصل پذیرش زنان به مقام کشیشی در سینود مرکزی اش، ۳۲ زن را در کلیسای اعظم بریستول

به این کسوت در آورد. این را البته افکار عمومی در انگلستان، و قبل از همه خود زنان مربوطه، گام مهمی در احقاق حقوق زنان میدانند. یکیشان با شوق میگوید "تنها وقتی در خدمت کلیسا برابر باشیم میتوان گفت که در پیشگاه خداوند برابریم". آنچه مسلم است اینست که در ظرف چند ماه آینده حدود هزار و دویست کشیش زن هم در انگلستان خواهیم داشت که کنار همقطاران مذکرشان بر منابر، آموزش کهنه و مردسالارانه مذهب درباره زن و جایگاه ویژه او در پیشگاه خداوند را، که ترجمه الهی جایگاه ویژه او زیر لگد جامعه مردسالار است، به خورد مردم بدهند.
 با همه ربطی که این موضوع به بحث ما دارد، باید بهرحال اینجا از آن بگذریم،

چون منظور معرفی جناب کندی است.
 ایشان نظیر بسیاری از کشیشان نر در کلیسای انگلستان، که بعضاً حتی از سر انزجار به آغوش کلیسای رم برگشتند، از این تحول خشمگین است. میگوید: "کشیشان زن باید بر دار سوزانده شوند، زیرا به قدرتی دست میبرند که هیچ حقی بر آن ندارند. در قرون وسطی نام این سحر و جادو بود. تنها راه مقابله با ساحره ها اینست که بر دار سوزانده شوند"
 "انجیل در این مورد کاملاً روشن است. مردان و زنان از نظر بیولوژیکی تفاوت دارند. ما هرگز نمیتوانیم مانند هم باشیم. نمیتوانم تصور کنم که یک زن چگونه میتواند تجسم مسیح باشد، جراحی علاج کار نیست." ←

ایران بعد از ...

ما تاریخ حاکمیت کل این صف، تاریخ جنایت و توحش همه آنها، و تاریخ جدال بی رحمانه کل این نیرو، نیرویی که نماینده اقلیتی مفت خور در مقابل طبقه کارگر و دهها میلیون انسان حق طلب در ایران است، را نزدیک به چهار دهه است تجربه میکنیم.

روحانی یا رئیسی، اصلاح طلب و اصول گرا، میانه رو یا سبز یا سیاه و بنفش، همراه با حواریون همیشه در صحنه آنها، حامیان شان در حکومت یا به نام "اپوزیسیون"، برای ما سران و احزاب یک صف دشمن، یک صف سرمایه در مقابل توقعات انسانی مردم محروم ایران اند!
 جدال ما علیه این حاکمیت

و تلاش ما برای بستن صفی محکم و متحد، جهت پایان دادن به بردگی و برای تامین رفاه و آزادی و امنیت، برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و استقرار جامعه ای سوسیالیستی، یک لحظه تعطیل بردار نیست. حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار همه کمونیستهای جامعه ایران، در کنار و همراه با همه

آزادیخواهان، همه زنان و جوانان برابری طلب و همراه با طبقه کارگر ایران، برای پایان دادن به کل این حاکمیت و برای استقرار جامعه ای آزاد و برابر میکوشد. ما مردم آزادیخواه ایران را به مبارزه ای بی امان برای کنار زدن جمهوری اسلامی به عنوان شرط اولیه هر نوع رفاه و آزادی و امنیت، فرامیخوانیم.

زنده باد آزادی و برابری
 زنده باد حکومت کارگری-
 حزب کمونیست کارگری-
 حکمتیست (خط رسمی)
 اول خرداد ۱۳۹۶ (۲۲ مه ۲۰۱۷)
**حکمتیست را
 توزیع و پخش کنید!**

نه قومی! نه مذهبی!
 زنده باد هویت انسانی!

سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

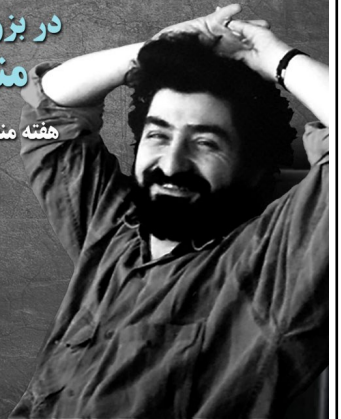
Mansoor Hekmat Week 2017

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد



نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خاروسمه)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

آزاري و زن ستيزي و تبعيض و خشونت عليه زن هنوز يك واقعييت پابرجاي زندگي مردم اين عصر است، اگر عليرغم جنبشهاي قوي و اجتماعي براي رهايي زن، هنوز ستم جنسي در چهار گوشه جهان حکم ميراند، بايد حکمتش را همينجا، در همين عصر و در مصالح همين نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

منصور حکمت

اولین بار در فروردین ۱۳۷۳، آوریل ۱۹۹۴، در شماره ۱۳ انترناسیونال

معلول وست و از دین معیوب کندي سرچشمه نمیگیرد. هر دو آنقدر عقل داشته اند که قربانیان خود را در میان اقشار بیحقوق تر جامعه جستجو کنند. منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است و آگاهانه و عامدانه،

و در اغلب موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکند.

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن

زن در زندگی و ...

فردریک وست، یا جانی خانه مرگ هر که هست، دوزخی است، پلیس میبرد و پنهانش میکند. تا سالها نامش و اعمالش پشت مردم را در خلوتشان میلرزاند. اما آنتونی کندي بهشتي است، میتواند بي هیچ جرح و تعدیلي مسیح را نمایندگي کند، کودکان کودستاني ما در خیابان به او لبخند میزنند و سلام میکنند، کسی در خانه او دنبال جسدی و در مغزش در جستجوی معمای مخوفی نیست. اما این همان آدم و همان واقعه است.

خشم و نفرت آنتونی کندي کلید حل معمای جنایات گلاستر را بدست میدهد. هر دو مورد باید بعنوان نمونه های جنایتکارانه خشونت علیه زنان و تبلیغ و تطهیر خشونت علیه زنان فهمیده شوند. این خشونت از مغز

حکمت جلد هشتم صفحات

منتشر شد.

مجموعه آثار منصور ۱۷۹ تا ۱۸۲

زنده باد انقلاب کارگری!